



**على رضى الله گفت: با فاطمه رضى الله عنها ازدواج کردم؛
گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه ی ورود نزد فاطمه بدهید.
رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «چیزی [به عنوان
مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «زره حُطْمَى
ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «آن را به فاطمه
بده».**

از ابن عباس رضى الله عنهما روایت است که على رضى الله عنها گفت: با فاطمه رضى الله عنها ازدواج کردم؛
گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه ی ورود نزد فاطمه بدهید. رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «أَعْطِهَا
شَيْئًا»: «چیزی [به عنوان مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «فَأَيْنَ ذِرْعُكَ الْحُطْمِيَّةِ؟»: «زره
حُطْمَى ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «فَأَعْطِهَا إِثَاءً»: «آن را به فاطمه بده».
[صحیح است] [به روایت نسائی - به روایت ابوداؤد - به روایت احمد]

در این حدیث آمده که رسول الله صلى الله عليه وسلم پسر عموی خود على بن ابی طالب رضى الله عنه را به
ازدواج دخترش فاطمه رضى الله عنها درمی آورد؛ و به على رضى الله عنه امر می کند مهریه ای به همسرش بدهد
تا به این ترتیب دل او را به دست آورده و تمایل خود را به او نشان دهد، اما چون على رضى الله عنه چیزی به این
منظور نزد خود نمی یابد، رسول الله صلى الله عليه وسلم از او در مورد زره اش می پرسد تا آن را به عنوان مهریه
به فاطمه رضى الله عنها بدهد. هرچند چیز اندکی به حساب می آمد. و اینکه فرمود: «الحطمية» یعنی منسوب به
قبیله ی حطمة بن محارب یکی از شاخه های عبدالقیس که زره می ساختند.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/58104>



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

